



The Civil Responsibility of the Government Due to the Lack of Warning and Prevention of Forced Accidents with Emphasis on Judicial Procedure

Mehdi Omid¹, Mohammad Hossein Jafari^{1*}, Ruhollah Bakhtjoo²

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad university, Yazd, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Humanities, Taft Branch, Islamic Azad university, Taft, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Forced accidents and natural disasters take the lives of thousands of people in the world every year and impose heavy costs and financial losses on people, especially in underdeveloped countries. The government, as a sovereign over the people, in order to fulfill its legal duties and obligations and provide services to the citizens, has duties and obligations regarding the notification of natural hazards and their prevention. This article examines the civil responsibility of the government in the assumption that the government does not fulfill its legal obligations, including not announcing the necessary warnings and abandoning preventive measures against forced incidents in the light of judicial procedure.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the methods and tools of information collection were done in a library and by referring to documents, books and articles and judicial opinions of the courts.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The most important findings of this research is that the first step in compensating the victims of forced accidents is the adoption of appropriate laws and regulations and the legal requirement of the government and public institutions, in order to warn and prevent accidents and natural disasters before the occurrence of losses and prevent material and moral damage; Second, in the event of a harmful accident, it is possible to effectively compensate for the losses through the guarantee of appropriate executions in an easy and fast manner; Thirdly, the government is responsible for not warning and preventing violent incidents.

Conclusion: It will be proven that the failure of the government to predict and prevent and not to take preventive measures in forced accidents, while increasing the range of life and financial losses for citizens, will cause the civil responsibility of the government to be fully established based on legal theories and rules. It is also clear that the internal laws and regulations and the judicial procedure in our country for this type of responsibility are not yet complete and the more the prevention and preventive aspect of the government's civil responsibility is emphasized, the occurrence of damage caused by natural accidents will be minimized.

Keywords: Government's Responsibility; Loss Prediction Criteria; Loss Prevention Criteria; Government's Responsibility in Judicial Procedure; Prevention of Forced Accidents

Corresponding Author: Mohammad Hossein Jafari; **Email:** Vakeel@gmail.com

Received: October 07, 2023; **Accepted:** February 26, 2024; **Published Online:** March 03, 2024

Please cite this article as:

Omid M, Jafari MH, Bakhtjoo R. The Civil Responsibility of the Government Due to the Lack of Warning and Prevention of Forced Accidents with Emphasis on Judicial Procedure. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e54.



مسئولیت مدنی دولت ناشی از عدم هشدار و پیشگیری از حوادث قهری با تأکید بر رویه قضایی

مهدی امید^۱، محمدحسین جعفری^{۱*}، روح‌الله بخت‌جو^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، تفت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حوادث قهری و آفات طبیعی سالانه جان هزاران نفر را در جهان می‌گیرد و هزینه‌ها و خسارات مالی سنگینی به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته بر افراد تحمیل می‌کند. دولت به عنوان حاکمیت بر مردم در راستای ایفای وظایف و تکالیف قانونی خود و خدمات‌رسانی به شهروندان وظایف و تکالیفی در مورد اعلام هشدار خطرهای طبیعی و پیشگیری از آنها دارد. این مقاله به بررسی مسئولیت مدنی دولت در فرض عدم انجام تکالیف قانونی توسط دولت اعم از عدم اعلام هشدارهای لازم و ترک اقدامات پیشگیرانه نسبت به حوادث قهری در پرتو رویه قضایی می‌پردازد. همچنین بر ضرورت افزایش پاسخگویی دولت به عنوان یک اقدام پیشگیرانه تأکید می‌کند.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و شیوه و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات و آرای قضایی محاکم صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش آن است که اولین گام در راستای جبران خسارت از زیان‌دیدگان حوادث قهری، تصویب قوانین و مقررات مناسب و الزام قانونی دولت و نهادهای عمومی، در راستای هشداردهی و پیشگیری قبل از وقوع حادثه و بلایای طبیعی است تا از بروز ضرر و زیان مادی و معنوی پیشگیری شود؛ دوم اینکه، در صورت وقوع حادثه زیانبار، از طریق ضمانت اجرای مناسب به شیوه‌ای آسان و سریع، بتوان به جبران خسارت زیان‌دیده به نحو مؤثری اقدام کرد؛ سوم اینکه دولت از حیث عدم هشداردهی و عدم پیشگیری از حوادث قهری مسئولیت دارد.

نتیجه‌گیری: اثبات خواهد شد که ترک فعل دولت در پیش‌بینی و پیشگیری و عدم انجام اقدامات بازدارنده در حوادث قهری، ضمن افزایش دامنه خسارات جانی و مالی برای شهروندان، باعث می‌شود تا مسئولیت مدنی دولت به طور کامل، بر مبنای نظریات و قواعد حقوقی برقرار شود. همچنین روشن می‌شود که قوانین و مقررات داخلی و رویه قضایی در کشور ما برای این‌گونه مسئولیت، هنوز کامل نشده است و هرچه بر جنبه بازدارندگی و پیشگیرانه مسئولیت مدنی دولت تأکید شود، بروز خسارت ناشی از حوادث طبیعی به حداقل خواهد رسید.

واژگان کلیدی: مسئولیت دولت؛ معیار پیش‌بینی ضرر؛ معیار پیشگیری ضرر؛ مسئولیت دولت در رویه قضایی؛ پیشگیری از وقوع حادثه قهری

نویسنده مسئول: محمدحسین جعفری؛ پست الکترونیک: Vakeel@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Omidi M, Jafari MH, Bakhtjoo R. The Civil Responsibility of the Government Due to the Lack of Warning and Prevention of Forced Accidents with Emphasis on Judicial Procedure. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e54.

مقدمه

امروزه در جوامع بشری حوادث قهری و آفات طبیعی سالانه جان هزاران نفر را در جهان می‌گیرد و هزینه‌ها و خسارات مالی سنگینی به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته بر افراد تحمیل می‌کند. حوادث قهری، به مجموعه‌ای از رخداد‌های زیانبار گفته می‌شود که منشأ انسانی ندارند. این حوادث اصولاً، حوادثی خارجی، غیر قابل اجتناب و غیر قابل پیش‌بینی بوده و یا حداقل از مدت‌ها قبل نمی‌توان وقوع آن‌ها را پیش‌بینی نمود. سیل، زلزله، طوفان، گردباد، سونامی، تگرگ، بهممن، رعد و برق، تغییرات شدید درجه حرارت، خشکسالی و آتشفشان نمونه‌هایی از بلایای طبیعی هستند. کشور ما نیز کشوری حادثه‌خیز است و بر اساس یک تخمین کلی ایران در میان کشورهای در حال توسعه جز ده کشور حادثه‌خیز مهم دنیا قرار دارد. دولت به عنوان قدرت حاکم، همواره مسئول عملکردی سریع و اقدامی به جا در اقماع نمودن جامعه و به حداقل رساندن ضررهای مالی ناشی از این مخاطرات بوده است و این به خاطر نقش حاکمیتی دولت است.

لذا دولت باید همچنان که قدرت و حکومت را در دست دارد و اقتدار خودش را از مردم کسب کرده است در برابر آن‌ها نیز تکالیفی را به دوش بکشد، یک دسته از تکالیف دولت مرتبط با زمامداری و اعمال حاکمیتی اوست و دسته دیگر مرتبط با وظایفی است که از توان و قدرت مردم خارج است که در این زمینه مسئولیت دولت‌ها در جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی، در دسته اخیر و جزء تکالیف دولت است، زیرا تنها در حیطه اقتدار و توان دولت است که عوامل حادثه‌ساز را پیشگیری و کنترل کند، امری که از توان تک‌تک افراد جامعه خارج است. این مطالعه خطوط این مسئولیت را بررسی می‌کند و ارتباط آن‌ها را در زمینه مسئولیت مدنی دولت ناشی از حوادث قهری در نظر می‌گیرد. ایجاد زیان و خسارات حاصل از حوادث قهری و بار سنگین جبران این‌گونه خسارت‌ها نسبت به زیان‌دیدگان از جمله مباحثی است که مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته و باعث طرح مسئولیت مدنی در رابطه با اشخاص حقوق عمومی مطرح شده و بر همین اساس تئوری

مسئولیت مدنی دولت در حوادث قهری شکل گرفته است. این تحقیق به کاوش در حوزه پیچیده مسئولیت مدنی دولت‌ها نسبت به عدم پیشگیری از حوادث قهری می‌پردازد. در مورد مسئولیت مدنی دولت در برابر حوادث قهری باید عموماً دو معیار را بررسی کرد: اول معیار پیش‌بینی حوادث قهری؛ دوم معیار پیشگیری از گسترش حوادث قهری و اقدامات کاهنده.

در مورد معیار اول باید گفت مسئولیت مستقیم دولت در برابر افراد جامعه، بر این امر تأکید دارد که با توجه به نقش عالی که دولت در هر کشور از حیث اجرا، اداره و نظارتی دارد، باید نسبت به آگاهی‌دهی و اطلاع‌رسانی در برابر زیان‌دیدگان و افراد در معرض خطر اقدام کند و نهایتاً خسارت وارده را جبران سازد. مسئولیت مستقیم دولت در برابر شهروندان به دو شکل می‌تواند خود را نمایان سازد: در حالت اول وقتی که با مطالعات علمی دقیق روشن گردد که منطقه‌ای بلاخیز می‌باشد و امن نیست و به کاربردن اصول استاندارد نیز تأثیری در پیشگیری در ورود خسارت بعد از وقوع آن حادثه قهری ندارد. در این حالت وقتی که حادثه بسیار قابل پیش‌بینی است و مجوزی از سوی دولت صادر می‌شود، به طور قطع دولت در مقابل زیان‌دیدگان ناشی از حادثه مسئولیت دارد؛ حالت دوم هنگامی است که هرچند وقوع اصل حادثه قابل پیش‌بینی است، اما حادثه بسیار شدیدتر از مقیاسی است که با توسل به علوم علمی نوین روز عرفاً احتمال وقوع آن حادثه وجود داشته است که در این حالت تحلیل جامع مسئولیت دولت و مبانی آن از منظر حقوق عمومی نظریاتی است که به عنوان مبنای مسئولیت مدنی دولت وجود دارد مثل نظریه مصلحت عمومی با ایده خدمت عمومی، نظریه دولت بیمه‌گر و نظریه تضمین مشروعیت و برابری فرصت) که می‌تواند در توجیه مسئولیت دولت در صورت وقوع حوادث قهری مورد توجه واقع شود.

معیار دوم، پیشگیری از ضرر و جلوگیری از تشدید آثار حوادث قهری و اقدامات لازم برای کاهش زیان‌های ناشی از آن است که از سه طریق قابل تصور می‌باشد: اول، ضابطه‌مند کردن مسئولیت دولت پس از وقوع حادثه تا از این طریق به عنوان مثال دولت از محل بودجه‌های عمومی و پوشش بیمه‌ای

یافته‌ها

مهم‌ترین یافته‌های پژوهش این است که اولین گام در راستای جبران خسارت از زیان‌دیدگان حوادث قهری، تصویب قوانین و مقررات مناسب و الزام قانونی دولت و نهادهای عمومی، در راستای هشداردهی و پیشگیری قبل از وقوع حادثه و بلایای طبیعی است تا از بروز ضرر و زیان مادی و معنوی پیشگیری شود؛ دوم اینکه، در صورت وقوع حادثه زاینبار، از طریق ضمانت اجرای مناسب به شیوه‌ای آسان و سریع، بتوان به جبران خسارت زیان‌دیده به نحو مؤثری اقدام کرد؛ سوم اینکه دولت از حیث عدم هشداردهی و عدم پیشگیری از حوادث قهری مسئولیت دارد.

بحث

۱. تعریف قوه قاهره و شرایط آن

۱-۱. مفهوم قوای قاهره در حقوق داخلی: در تعریف قوای قاهره عده‌ای از اساتید آن را به حادثه‌های خارجی و غیر قابل پیش‌بینی و احترازناپذیر تعریف کرده‌اند (۱). برخی دیگر نیز، قوه قهریه را حادثه‌ای بی‌نام می‌دانند که ناشی از فعالیت هیچ کس نیست (۲). قوه قاهره را در سیستم کامن‌لا، با عنوان عمل منسوب به خداوند یاد می‌کنند (۳). مقصود از قوه قهریه بیشتر قوای طبیعی است مثل طوفان، سیل، زلزله و... (۴)، اما این مفهوم به نظر می‌رسد دارای معنی وسیع‌تری می‌باشد (۵). برخی نویسندگان بلایای طبیعی را مترادف حوادث قهری دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: «بلای طبیعی عبارت است از حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل اجتناب و غیر قابل انتساب حدوثاً و نتیجتاً» و معتقدند حوادثی هستند که به فعل یا ترک فعل دولت نتوان نسبت داد و همچنین تفاوت آن را با حوادث غیر مترقبه در این می‌دانند که حادثه‌هایی که قابل انتساب به دولت می‌باشد بلایای طبیعی نخواهد بود، بلکه حادثه‌ای غیر مترقبه است (۶). در تعاریفی که از قوه قاهره در حقوق ایران ارائه گردیده، همواره سه وصف اساسی آن، که گاه به عنوان شرایط ایجاد قوه قاهره معرفی شده است، به چشم می‌خورد. در تعریف قوه قاهره آورده‌اند: «آنچه قابل پیش‌بینی

خسارت افراد و اموال در معرض حادثه را جبران کند؛ دوم، وضع مقررات جدید و ارائه تضمین‌های اداری و تصویب ضمانت اجرای مدنی و کیفی دقیق از طریق مجلس شورای اسلامی در قالب قانون؛ سوم پیشگیری از طریق احراز ارکان مسئولیت مدنی از سوی دادگاه میان فعل سهل‌انگارانه دولت و زیان وارده و نهایتاً جبران خسارت ناشی از حوادث قهری. برخی قوانین از جمله قانون مدیریت بحران کشور از باب تکلیف، وظایفی را در مورد پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث قهری و مقابله با این‌گونه حوادث برای دولت و مؤسسات عمومی برشمرده است که به نقش این قانون در پیشگیری از حوادث قهری می‌پردازیم.

همچنین با مطالعه در رویه‌های قضایی روشن می‌گردد که در برخی دعاوی، دفاع قوه قاهره از سوی دادگاه پذیرفته نشده است، به این علت که خواننده دعوا موظف به انجام یکسری اقدامات متعارف پیشگیرانه بوده است. با عنایت به وظیفه اصلی دولت در کشور ما به عنوان ناظر یا متصدی امور عمرانی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی و نقشی که دولت می‌تواند در پیشگیری از این‌گونه حوادث داشته باشد، اندیشه مسئولیت مدنی دولت تقویت می‌شود که در این مقاله نگاهی نیز به رویه قضایی در این موارد خواهیم داشت. این تحقیق بر نیاز به شیوه‌های استخدام شایسته، حکمرانی شایسته و فرهنگ قوی مسئولیت در بدنه‌های اداری تأکید می‌کند. با تشریح پیچیدگی‌های مسئولیت مدنی در حوادث قهری، این مطالعه به دنبال یافتن بینش‌های عملی و مبنایی است که ضرورت پرداخت غرامت به زیان‌دیدگان را در این‌گونه حوادث با ضرورت رویه‌های قضایی کارآمد هماهنگ می‌کند.

روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

است که ظاهراً اولین بار در قانون مدنی فرانسه به کار رفته و سپس در کشورهای دیگر، همین لفظ یا ترجمه آن معمول شده است (۹). بعضی از حقوقدانان فرانسوی، بین فورس‌ماژور و حادثه غیر مترقبه (Unforeseen Events) فرق گذاشته و گفته‌اند که حادثه غیر مترقبه، حادثه‌ای درونی یعنی وابسته به فعالیت متعهد یا بنگاه او است، مانند آتش‌سوزی، عیب کالا، از خط خارج شدن راه آهن و اعتصاب، در حالی که فورس‌ماژور حادثه‌ای برونی است، مانند سیل، توفان و...، اما این دیدگاه تغییر یافته و بین فورس‌ماژور و حادثه غیر مترقبه دیگر فرق نمی‌گذارد و در رویه قضایی فرانسه هر دو به طور مترادف به کار می‌روند؛ در حقوق بین‌الملل معمولاً کلمه فورس‌ماژور به معنی عام به کار می‌رود که هم فورس‌ماژور به معنی خاص و هم حادثه غیر مترقبه را دربر می‌گیرد، است. اصطلاح دوم فقط شامل حوادث غیر عادی است، تفاوت فورس‌ماژور به معنی عام با اصطلاح «کار خدا» که دارای علل طبیعی هستند و بدون دخالت بشر روی می‌دهند، می‌باشد، در حالی که فورس‌ماژور دارای معنی گسترده‌تری است و پاره‌ای حوادث ناشی از عمل انسان را نیز دربر می‌گیرد.

در حقوق انگلستان، فورس‌ماژور یک عنوان وارداتی به حساب می‌آید. در قانون Sale of Goods Act سال ۱۸۹۳ و اصلاحی در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ نیز لفظ فورس‌ماژور به کار نرفته است، البته مفهوم فورس‌ماژور در حقوق انگلستان وسیع و گسترده است که هم حوادث طبیعی و هم اعمالی مثل اعتصاب را که با دخالت انسان ایجاد می‌گردد را شامل می‌شود. در حقوق انگلستان، نزدیک‌ترین مفهوم به فورس‌ماژور، عبارت از انتفای (عقیم‌ماندن) اجرای قرارداد و عدم امکان اجرا است. اگرچه این دو نهاد از لحاظ نظری با فورس‌ماژور متفاوتند و قلمرو وسیع‌تری دارند (۱۰).

۲. مسئولیت دولت در پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث قهری: امروزه پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی به عنوان یک استاندارد جهانی مقبول، محسوب می‌شود. در این راستا، دولت یا دیگر اشخاص نمی‌توانند با اشاره به عدم وجود امکانات یا سهل‌انگاری انسانی، خود را از مسئولیت حاصل از

نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسی که به علت عدم توانایی خسارتی به متعهدله، خود یا متضرر دیگری وارد کرده است، گردد، مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده است را به انجام برساند (۷). در قوانین ما در مواد مختلفی به قوه قاهره اشاره شده است، از جمله می‌توان به مواد ۲۲۷، ۲۹۹ قانون مدنی، ماده ۵۵ قانون دریایی، ماده ۳۸۶ قانون تجارت و ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی اشاره کرد.

با توجه به مقدمات ذکرشده، حادثه‌ای که عنوان بلایای طبیعی دارد، لازم است که غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل اجتناب و غیر قابل انتساب باشد، البته برخی معتقدند بلایای طبیعی به آن حوادثی اطلاق می‌شود که به هیچ صورت نتوان آن را به دولت نسبت داد. حادثه‌ای که قابل انتساب به دولت باشد، بلای طبیعی نیست، بلکه «حادثه غیر مترقبه» نامیده می‌شود (۸).

با بررسی رویه‌ها و تعاریف و مباحث فوق به این نتیجه می‌رسیم که حوادث قهری با مفهوم قوه قاهره در مبحث حقوق قراردادهای تفاوت دارد. امری که هنوز در کشور ما تفکیک نشده است. بنابراین حادثه‌ای قهری است که غیر قابل پیش‌بینی و پیشگیری بوده، به گونه‌ای که به قدری شدید و پرقدرت باشد که دفع آن از توان انسان متعارف خارج باشد، لذا زمانی که سابقه رویدادی در مناطق مختلف کشور ثبت و ضبط شده و دولت هم می‌تواند با هشدار و اقدامات پیشگیرانه مانع بروز خسارات ناشی از آن بشود، استناد دولت به چنین حادثه قهری به عنوان عامل معاف‌کننده موجه نخواهد بود. تنها در صورت چنین تفسیر و برداشت از حوادث قهری است که در آینده می‌توانیم دولت را مسئول حداکثری در جبران خسارات ناشی از این‌گونه بلایا بدانیم، امری که رویه قضایی آمریکا به آن گرایش دارد.

۲-۱. مفهوم قوای قاهره در حقوق خارجی: در حقوق فرانسه قوه قاهره معادل فورس‌ماژور (Force Majeure) آمده

حوادثی که به لحاظ علمی تکرارپذیر و پیش‌بینی‌پذیر و قابل پیشگیری بوده‌اند، معاف کنند. باید توجه داشت که کاهش مصیبت از باز یافت و بهبود آن هزینه کمتری دارد، لذا تخفیف خطر راهکاری است که اکنون به صورت گسترده در کشورهای پیشرفته به کار می‌رود (۱۱). در زیر به بررسی دو معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر و معیار پیشگیری از ضرر می‌پردازیم:

۱-۲. معیار پیش‌بینی ضرر حادثه: ابتدا ذکر این تذکر لازم است که پیش‌بینی‌پذیری به این معنا است که تا چه حد می‌توان وقوع حادثه طبیعی را پیش‌بینی کرد و اقدامات لازم را برای پیشگیری از وقوع آن یا کاستن از آثار زیانبار آن به کار گرفت.

در صورتی که حادثه قهری علاوه بر غیر قابل اجتناب بودن دارای ویژگی پیش‌بینی‌ناپذیری هم باشد، رویه قضایی قوه قاهره را می‌پذیرد، زیرا پیش‌بینی وقوع حادثه، در اغلب موارد باعث می‌شود که با تدابیر مناسب بتوان آن را دفع کرد یا مقاومت نمود و حتی می‌توان از آثار زیانبار آن جلوگیری کرد. در این حالت است که پیش‌بینی‌پذیری حادثه قهری نشانه تقصیر در آینده‌نگری نسبت به زیان است. به عبارت دیگر، قابلیت پیش‌بینی به این معناست که فرد از نظر آینده‌نگری مقصر باشد. بنابراین باید ثابت گردد که همه تدابیر لازم برای دفع حادثه یا پیشگیری از آن به عمل آمده است و حداقل اینکه حادثه غیر قابل پیشگیری باشد تا بگوییم حادثه قهری است.

بنابراین حوادث قهری را می‌توان از حیث طبیعت آن‌ها به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول، حوادثی که شروع و زیانبار بودن آن‌ها قابل پیش‌بینی یا تخمین است، مثل سیلاب در مناطق سیل‌خیز که از جمله حوادثی است که احتمال رویداد و زیانبار بودن آن را می‌توان پیش‌بینی کرد؛ دسته دوم، حوادثی که شروع آن‌ها به طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست، اما زیانبار بودن آن‌ها را می‌توان تخمین زد؛ سوم، حوادثی که نه شروع و نه آثار زیانبار آن‌ها قابل پیش‌بینی نیست، مثل زلزله که از حوادثی است که رویداد آن در شرایط علمی فعلی، قابل پیش‌بینی دقیق نیست، اما خسارات احتمالی آن، بر

نتیجه آنکه رخ دادن برخی حوادث قهری همچون زلزله در برخی مناطق در مقیاس خاصی قابل پیش‌بینی است و سازندگان ساختمان متعهدند با توجه به قابلیت پیش‌بینی زلزله ایمنی مقاومت این‌گونه ساختمان‌ها را تعهد و تضمین کنند، اما اگر همان حادثه قابل پیش‌بینی نباشد، مهندسان ساختمان نیز قادر نیستند آن را تشخیص داده و ساختمان‌سازی خود را مقاوم کنند.

واژه «قابلیت پیش‌بینی‌پذیری» نشان می‌دهد که رخ دادن حوادث طبیعی، به همان صورتی که در گذشته اتفاق می‌افتاد، دیگر مصداق کار خدا (Act of God) نیست، بلکه معمولاً می‌توان آن‌ها را پیش‌بینی کرد و از وقوع یا اثرات منفی آن‌ها پیشگیری نمود.

۱-۲-۱. توجه به سوابق گذشته حادثه قهری: در راستای پیش‌بینی‌پذیری حادثه قهری می‌توان گفت که گاه در یک منطقه سابقه وقوع بلایای طبیعی مشخص است. به عنوان مثال ایران به دلیل قرار گرفتن در کمربند زلزله خیز آلپ - هیمالیا در محل برخورد پلیت‌های اوراسیا - عربستان قرار دارد تا جایی که حدود ۱۷ درصد از زمین‌لرزه‌های دنیا در ایران اتفاق می‌افتد، به گونه‌ای که در بندعباس در هر دو سال یک

مجله حقوق پزشکی، دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

زمین لرزه با بزرگای بیش از ۶ ریشتر و دو یا سه زمین لرزه با بزرگای ۵ تا ۶ ریشتر اتفاق می‌افتد.

در حالت کلی شاید بتوان با استناد به قوه قاهره مثل زلزله در دعوی مسئولیت مدنی دفاع کرد، اما با توجه به اینکه در این مناطق بر اساس گزارش‌های لرزه نگاری کشور به راحتی وقوع زلزله در هر دو سال یک بار پیش‌بینی و تکرار شده است و سابقه وقوع آن را در اختیار داریم، هرگونه بی‌توجهی دولت و عدم نظارت بر استانداردسازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها بر طبق مقررات و آیین‌نامه مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله (مصوب ۱۳۶۹ ش.) و آیین‌نامه استاندارد ۲۸۰۰ و یا صدور پروانه‌های ساخت مسئولیت دولت را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال اگر در یک منطقه سرزمینی زلزله و طوفان‌های سهمگین می‌آید و بتوان احتمال وقوع آن و نوع و میزان خسارت احتمالی را پیش‌بینی کرد، عدم اعطای مجوزهای ساخت بنا و نظارت بر ساختمان‌سازی با رعایت استانداردهای لازم و حتی تدوین قوانین و مقررات خاص، از جمله تدابیر پیشگیرانه خواهد بود و در صورت قصور دولت در عدم تدارک تجهیزات و نظارت و تدابیر لازم و عدم هشدار خطر به شهروندان، مسئولیت جبران خسارت بر دولت تحمیل خواهد شد. بنابراین چون معیار پیشگیری از حوادث طبیعی معیاری جهانی و عامل‌الشمول است اگر استانداردهای مصوب دولت بسیار پایین‌تر از سطح بین‌المللی آن باشد، دولت شخصاً مسئول خواهد بود.

البته در فرضی که اگر دولت و متصدیان ساخت و ساز هم رعایت استانداردسازی را می‌کردند باز زلزله‌ای به بزرگی مثلاً ۸ ریشتر همه ساختمان‌ها را تخریب می‌کرد نیاز به واکاوی مبنایی جدید در مسئولیت دولت و ارکان آن و نحوه جبران خسارات دارد که پرداختن به آن در این مقاله نمی‌گنجد.

۲-۲. معیار پیشگیری از ضرر حادثه: در این بخش، به بررسی نقش قواعد حقوقی در پیشگیری از حوادث طبیعی خواهیم پرداخت. خواهیم دید که دقت در تدوین مقررات منطبق با معیارهای جهانی و شدت عمل نظام دادرسی نسبت به دولت و مهندسان و سازندگان دولتی متخلف می‌تواند

بیشترین تأثیر را در پیشگیری یا کاهش زیان‌های ناشی از حوادث قهری در پی داشته باشد. سؤال اساسی آن است که بر فرض تکرارپذیربودن حادثه قهری آیا دولت مکلف به پیشگیری یا انجام اقدامات مبنی بر کاهش اثرات زاینبار آن حادثه هست یا خیر؟ قطعاً پاسخ مثبت‌دادن به این پرسش باعث مسئولیت دولت خواهد بود که در رویه قضایی نیز با استدلال به اینکه شخص مکلف به رعایت ضوابط پیشگیری بوده است گاه دولت محکومیت یافته است. به عنوان مثال اگر زلزله‌ای رخ دهد و طی آن ساختمان‌هایی که می‌بایست مطابق قوانین مقاوم‌سازی شوند و نشدند، تخریب شده و خساراتی به بار آید، مسئول چه کسی است؟

با آنکه اغلب بلایای طبیعی خارج از کنترل انسان به نظر می‌رسند، ولی خسارات و آسیب‌های ناشی از آن‌ها به طور چشم‌گیری قابل کنترل است. این موضوع ارتباط مستقیمی با عملیات پیشگیرانه توسط دولت دارد. قانون بیمه فرانسه غیر معمول و اجتناب‌ناپذیربودن را جز شرایط حادثه قهری آورده و آن را ماهیتاً غیر قابل بیمه می‌داند (۱۲)، اما واقعیت آن است که امروزه بسیاری از این حوادث به علت رشد و پیشرفت تکنولوژی قابلیت پیش‌بینی و پیشگیری تا حد امکان دارند و حداقل می‌توان گفت بخشی از این حوادث قابل پیشگیری هستند، امری که در حقوق فرانسه و آمریکا تحت عنوان اعلام حالت اضطراری یا اعلام حادثه غیر مترقبه شهرت یافته است.

برای مثال، جلوگیری از ساخت و ساز در مسیر سیل و بخش‌های خطرآفرین، ایجاد پوشش گیاهی و ساخت بندها و سدها جهت کاهش خسارات ناشی از سیل، استحکام ابنیه با به کارگیری مصالح ساختمانی استاندارد، مکان‌یابی پروژه‌های بزرگ ساختمانی از نظر زمین‌شناسی و ژئومرفولوژی از طریق کارفرمای دولتی، مقاوم‌سازی مراکز امدادسانی و بیمارستان‌ها مخصوصاً مراکز درمانی دولتی، ممنوعیت یا محدودسازی ساخت و ساز در حریم گسل‌ها، کاهش بار تراکمی محله‌های پرتراکم، از جمله موارد پیشگیری و کاهش خسارات ناشی از زلزله است، زیرا از جمله مسئولیت‌های دولت، حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان در برابر بلایای طبیعی و حوادث غیر مترقبه است. تمام خساراتی که به علت عدم

و پیشگیرانه عمل کند، بنابراین بودجه‌ای که توسط دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها اعم از ساخت، نگهداری، تعمیر یا به روزرسانی آن‌ها اختصاص می‌یابد، عملاً در پیشگیری از حوادث یا کاهش آثار منفی آن‌ها مؤثر است.

راه دیگر آن است که دولت با ارائه طرح‌های پیشنهادی خود، شهروندان را الزام کند تا از دستورالعمل‌های استانداردسازی پیروی کنند تا حتی‌الامکان از بروز حوادث مشابه در آینده جلوگیری شود، البته در این راستا دولت نیز باید خود نظارت و اجرای قانون مذکور را بر عهده بگیرد. از سوی دیگر دولت از متعهدان و مسئولین اجرای طرح، ضمانت و تعهد به حسن انجام کار و اجرای دقیق آیین‌نامه‌ها را اخذ نماید.

۲-۲-۲. پیشگیری از طریق طرح مسئولیت پس از حادثه: عدم توجه دولت و مسئولان به پیشگیری از آثار زیانبار حوادث طبیعی، نظریه‌ای را برمی‌انگیزد که اگر راهی برای تضمین ایمنی ساختمان‌ها و تعیین کیفر مهندسان و سازندگان پیش از وقوع حادثه وجود ندارد، باید حداقل راه حل دقیقی برای جبران خسارت از زیان‌دیدگان بلاهای طبیعی پس از وقوع حادثه، مد نظر قرار گیرد.

بنابراین مهارکردن دامنه خسارت، نجات افراد حادثه‌دیده از محل وقوع حادثه، درمان صدمات جانی افراد به صورت اورژانسی، تأمین تغذیه حادثه‌دیدگان، اسکان موقت حادثه‌دیدگان، تأمین مایحتاج اولیه، تأمین بهداشت، جمع‌آوری و رفع ضایعات و خرابی‌های به جامانده، ساخت و ساز بناهای جدید جهت اسکان دائمی حادثه‌دیدگان و نهایتاً تأمین کلیه لوازم زندگی با دولت است، اما واضح است که بودجه‌های پیش‌بینی‌شده دولتی در کشور ما برای حوادث غیر مترقبه محدود بوده و قادر به جبران چنین خساراتی نخواهد بود. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در بسیاری از کشورهای حادثه‌خیز صندوق‌هایی با عناوینی چون «صندوق حوادث طبیعی فاجعه‌آمیز» تأسیس و قوانینی برای «بیمه حوادث طبیعی» تصویب شده است که در ایران نیز صندوق بیمه ناشی از حوادث طبیعی تشکیل شد.

برنامه‌ریزی صحیح در اداره امور جامعه متوجه مردم می‌شود، دولت ملزم به جبران آن می‌باشد. گاه فرد مسئول، علیرغم پیش‌بینی حادثه، در مورد احتمال وقوع مجدد آن، اطلاع‌رسانی نکرده و هشدار نداده و همین که اقدامات پیشگیرانه را با سهل‌انگاری ترک کرده، برای مسئول دانستن او کفایت می‌کند. این ادعا در مورد دولت نیز صادق است، زیرا مفهوم حکومت در رابطه دولت با مردم متحول شده و مسئولیت مستقیم دولت در برابر شهروندان اصلی‌ترین دلیل تحول در قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی است.

گاهی نیز ممکن است حوادثی به ظاهر طبیعی اتفاق بیافتد، اما ریشه و منشأ آن عمل انسان یا تخلف سابق دولت باشد که اگر خطای انسانی در ابتدا رخ نمی‌داد، هیچ‌گاه حادثه قهری اثری آنچنان زیانبار را ایجاد نمی‌کرد، لذا با توجه به دخالت عوامل انسانی تعریفی جامع از حوادث طبیعی بسیار سخت بوده و تمیز مرز میان خطای انسان و بروز حوادث این چنینی مشکل خواهد بود. بنابراین اگر معلوم شود که رویداد اتفاق افتاده یک حادثه غیر مترقبه است، اما در حقیقت در اثر تقصیر یا اشخاص بوده است، در اینجا باید بر طبق مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر و بر طبق قواعد عام مسئولیت مدنی همچون ماده ۱۱ و ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ادعای خسارت نمود، همچنان طبق تبصره ۲ از ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی: «افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث قهری مثل سیل یا زلزله را بر عهده دارند، در صورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه، ضامن می‌باشند.» این ماده به صراحت به اصلاح یا رفع آثار حوادث قهری اشاره کرده که به معیار پیشگیری از گسترش حوادث توجه دارد. بنابراین چهار طریق پیشگیری از حوادث قهری پیشنهاد می‌شود که به شرح ذیل بیان می‌گردد:

۲-۲-۱. پیشگیری از طریق اقدامات حمایتی دولت قبل از حادثه: هرچند بعد از وقوع حادثه، مبنای مسئولیت دولت قابل بررسی است، اما یکی از راه‌های پیشگیری از حادثه‌های طبیعی آن است که دولت از محل بودجه‌های عمومی یا از طریق پوشش بیمه‌ای افراد و اموال به عنوان یک اقدام حمایتی

فکر منافع تجاری خود هستند تا تأمین جانی و مالی شهروندانی که در معرض خطر قرار دارند. بنابراین راهکار پوشش بیمه‌ای صرفاً توجیهی برای فرار از وظیفه است.

حتی بیمه ساختمان هم راه حل جامعی در برابر بلایای طبیعی ارائه نمی‌دهد. افرادی مانند گردشگران، کارگران و کسانی که به طور تصادفی در یک مکان حضور دارند، تحت پوشش بیمه‌ای قرار نمی‌گیرند. گفتمان بیمه بلایای طبیعی، با این حال، می‌تواند به حقوق مسئولیت مدنی کمک کند: زمانی که سازندگان یا صاحبان سازه اذعان دارند که «خطر» مرتبط با سازه‌های آن‌ها تهدیدی است، ممکن است اقداماتی را برای تضمین پوشش بیمه‌ای به عنوان یک اقدام پیشگیرانه انجام دهند. این رویکرد پیشگیرانه از آگاهی آن‌ها ناشی می‌شود که در صورت عدم حمایت بیمه‌ای کافی، می‌توانند شخصاً مسئول شناخته شوند.

البته شرکت‌های بیمه می‌توانند کارشناسانی را برای کنترل ایمنی سازه‌ها استخدام نمایند تا بدین وسیله، ضمن خودداری از بیمه سازه‌های غیر استاندارد، موضوع را به مرجع دولتی مجاز اطلاع دهند. در انگلیس تا اواسط قرن نوزدهم، شرکت‌های بیمه اقدام به خرید و نصب وسایل اطفای حریق در منازل بیمه شده می‌کردند تا بدین وسیله، خطر آتش‌سوزی که به طور مستقیم منافع اقتصادی آن‌ها را تهدید می‌کرد، به حداقل ممکن برسد (۱۳). همچنین اعطای وام و تسهیلات از سوی دولت به شهروندان نیز مطلوب ما نیست، زیرا عامل پیشگیری‌کننده نیست.

۲-۲-۴. پیشگیری از طریق رعایت قوانین و مقررات موجود: یک راه پیشگیری از وقوع خسارات جبران‌ناپذیر ناشی از حوادث قهری اجرای کامل قوانین و مقررات موجود در کشور از یکسو و ارائه طرح و لایحه‌های قانونی اصلاحی و مکمل از سوی دولت و مجلس برای برطرف کردن نواقص و کمبودهای این قوانین می‌باشد. خوشبختانه در کشور تاکنون قوانین و آیین‌نامه‌های مختلفی در این راستا تصویب گردیده، هرچند که این مقررات کامل نیست، اما اجرای دقیق همین مقدار نیز امیدوارکننده خواهد بود.

رویکرد پایدار به پیشگیری از حوادث، بهترین راه حل برای مقابله با این مسأله است. دولت، از محل بودجه‌های عمومی، باید پوشش بیمه افراد و اموال در معرض حوادث و حتی اموال حادثه‌دیده را تحمل کرده و مردم را ملزم به اجرای استانداردها و طرح‌های ارائه‌شده از سوی دولت نماید. افراد نیز باید تعهد کنند که با رعایت مقررات دولتی و با مشارکت مهندسین معتمد، ساختمان‌های خود را درست اجرا کنند و در صورت وقوع حادثه پس از ساخت، هیچ ادعایی نسبت به خسارات ناشی از بی‌مبالاتی یا تقلب آن‌ها نداشته باشند.

تحقق بازندارندگی و پیشگیری به عنوان اهداف اصلی مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی به طور حتم، مستلزم به رسمیت‌شناختن ضمانت اجراهای کیفی و تنبیه‌های اداری و انتظامی برای کارکنان متخلف دولت در مفهوم عام آن است. در غیر این صورت، تئوری مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی کارآمدی خود را از دست خواهد داد (۶).

بعد از وقوع حادثه طبیعی دولت مسئول تدارک و پیشگیری از گسترش دامنه خسارت می‌باشد. در آمریکا دولت، مسئول پرداخت کمک‌های دولتی به آسیب‌دیدگان می‌باشد که اگر خودداری کند، به دادگاه معرفی می‌شود. همچنین بعد از حدوث واقعه طبیعی، دولت مسئول تدارک کمک‌های عمومی (Providiny Public Assistance) به جامعه آسیب‌دیده می‌باشد.

۲-۲-۳. پیشگیری از طریق بیمه‌های جبران خسارت: می‌توان ادعا کرد که یک راهکار جبران خسارت بیمه کردن اموال است که به عنوان یک راه پیشگیری می‌تواند مطرح شود، اما این امر مانع بروز حادثه قهری نمی‌شود و حتی پوشش‌های اینچنینی بیمه در برابر حوادث طبیعی همه‌گیر مثل سیل، زلزله، طوفان و خشکسالی می‌تواند بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه را هم ورشکسته کند، لذا تعیین سقف مبلغ مالی قابل پرداخت از سوی شرکت‌های بیمه حاکی از شانه‌خالی کردن این شرکت‌ها از پرداخت اصل خسارات زیانبار است.

به همین دلیل، شرکت‌های بیمه در هنگام پوشش بیمه‌ای، با تعیین سقف سرمایه قابل پرداخت نشان داده‌اند که بیشتر به

لذا باید تمامی تمهیدات لازم برای کاهش آثار زاینبار چنین حوادثی در کشور توسط دولت صورت گیرد و دقیقاً به همین دلیل در مردادماه سال ۱۳۷۰ قانونی تحت عنوان «قانون تشکیل کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی» طی ماده واحده‌ای در مجلس به تصویب رسید که بیانگر پذیرش وضعیت ژئوپولیتیکی کشور از حیث ابتلا به بلایای طبیعی متعدد است. تصویب این مقررات بدان معنی است که قانونگذار ضمن پذیرش موقعیت خاص جغرافیای کشورمان بر مطالعه و تحقیقات علمی و پیدا کردن راه‌کارهای منطقی جهت پیشگیری و کاهش اثرات بلایای طبیعی تأکید کرده است.

در ماده ده قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ به صراحت به دولت اجازه داده شده که به منظور پیش‌آگاهی و پیشگیری از حوادث غیر مترقبه، از جمله سیل، زلزله، سرمازدگی، طوفان، تگرگ، پیشروی آب دریا و... اعتبارات مورد نیاز را در لوایح بودجه سالانه منظور نماید. قواعد فقهی نیز با تفسیری که حضرت امام در تحریر الوسیله و در بیان مسائل فقه سیاسی در تفسیر قاعده «الخراج بالزمان» ارائه داده‌اند با این شیوه پیشگیری همگام است (۱۴).

با تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳)، به موجب ماده ۵ آن اهداف و وظایف حوزه امدادی تشریح شد، اما اندیشه منتهی به قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چیزی بیش از ساماندهی نیروهای دولتی و مردمی، برای همان اهداف سنتی نبوده است و علت هم آن است که هیچ نوع ضمانت اجرایی در این قانون تعیین نشده است. بند «ب» ماده ۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران مصوب (۸۸-۱۳۸۴ ش.) نیز الزاماتی را در خصوص ایمن‌سازی، مقاوم‌سازی ساختمان و شهرها بیان داشته است (۱۵).

مطابق با بند ۸ سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مصوب ۱۳۸۴ ش.) سیاست‌های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیر مترقبه تعیین شده که از جمله شامل افزایش و گسترش آموزش فرهنگ ایمنی، گسترش و تقویت مطالعات علمی و پژوهشی

به منظور شناسایی و کاستن از خطرات این‌گونه حوادث با اولویت خطر زلزله، و ایجاد مدیریت واحد با تعیین رییس جمهور که برای آمادگی دائمی و اقدام مؤثر و فرماندهی در دوره بحران می‌باشد. همچنین بند ۵ این سیاست‌ها «گسترش نظامات مؤثر جبران خسارت، نظیر انواع بیمه‌ها، حمایت‌های مالی و تشویقی، تسهیلات ویژه و صندوق‌های حمایتی» را پیش‌بینی کرده و بند ۶ آن «پیشگیری و کاهش خطرپذیری ناشی از زلزله در شهرها و روستاها و افزایش ضریب ایمنی در ساخت و سازهای جدید را از طرق پیشنهادشده» عنوان می‌کند. به علاوه قانون برنامه پنجم توسعه مصوب (۹۴-۱۳۹۰ ش.) نیز راهکارهایی را ارائه داده است. بند «پ» ۱-۱ از آیین‌نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله (مصوب ۱۳۷۸ ش.) قابل استفاده باقی‌ماندن بناهای ضروری پس از وقوع زلزله‌های شدید بدون آنکه آسیب عمده سازه‌ای ببینند را از اهداف این آیین‌نامه ذکر کرده است.

به همین دلیل، یکی از حقوقدانان پیشنهاد می‌کند که صرف نظر از علایق دولتمردان یا حزب‌هایی که در عرصه سیاست برای چنگ‌انداختن بر بخشی از قدرت، درگیرند، باید الزام به پیشگیری به موجب قانون بر دولت‌ها، تحمیل گردد (۱۶). آنگاه در عمل اثبات مسولیت مدنی دولت در رویه قضایی دادگاه‌ها نیز آسان‌تر خواهد شد. به عنوان مثال در امریکا کنگره «قانون کاهش خطرهای ناشی از زلزله» را در سال ۱۹۹۰ تصویب کرد که به موجب این قانون رییس‌جمهور مکلف شد تا استانداردهایی را برای ایمنی در مقابل زلزله، نه فقط برای ساختمان‌های در حال ساخت و آینده، بلکه بلکه برای بناهای موجود تدوین و ابلاغ کند (۱۷).

۲-۳. تغییر وضعیت در اثر عدم رعایت اصول، دستورالعملها و آیین‌نامه‌ها: گاه در اثر عدم رعایت اصول قانونی و زیر پا گذاشتن یا عدم نظارت بر آیین‌نامه و دستورالعمل‌هایی همچون دستورالعمل مهار سیل و ساخت سدها ممکن است ابتدائاً آب‌های باران و روان آب‌ها در پشت سد جمع شود، اما در اثر یک حادثه طبیعی چون زلزله یا حادثه دیگری سد شکسته شود و صدمات جبران‌ناپذیری به

از آن هم در مقایسه با تخلفات غیر عمدی و خطایی تسهیل خواهد شد (۱۸).

۳. تکلیف دولت به پیشگیری در قانون مدیریت بحران

(مصوب ۱۳۹۸ ش.۰): در کشور ما قانون جامعی در خصوص تکالیف دولت در برخورد با حوادث طبیعی وجود نداشت تا اینکه به موجب قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور (مصوب ۱۳۸۷ ش.۰) این سازمان تشکیل شد، سپس قانون مدیریت بحران کشور در سال ۱۳۹۸ تصویب شد در این قانون بحران این‌گونه تعریف شده است: «ازهم‌گسیختگی جدی عملکرد یک جامعه، که ناشی از وقوع مخاطره است و منجر به خسارات و اثرات منفی گسترده انسانی، اقتصادی یا زیست محیطی می‌شود، به طوری که مواجهه با آن فراتر از توانایی جامعه متأثر و دستگاه‌های مسئول موضوع ماده ۲ این قانون باشد» (بند «ب» ماده ۳). در این قانون اصطلاح «پیشگیری و کاهش خطر»، به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می‌شود که شامل شناسایی، شناخت و تحلیل مخاطرات، آسیب‌پذیری‌ها، الزام به کارگیری مدیریت کاهش خطر در تدوین برنامه و بودجه بخش‌های توسعه‌ای، تعیین راهبردها و اولویت‌های بخش‌های گوناگون، تدوین و اجرای برنامه‌های کاهش خطر حوادث و سوانح در کشور است، از جمله اهداف سازمان مدیریت بحران، توانمندی جامعه در پیشگیری از وقوع حادثه و پاسخ مؤثر به حوادث در صورت رخ‌دادن آن‌ها و مقابله با بحران و نهایتاً بازسازی و بازتوانی مکان‌های آسیب‌دیده است (۱۹).

این قانون دولت را مسئول جبران خسارات ناشی از بلایای طبیعی دانست، از آنجا که زیان‌های ناشی از حوادث طبیعی از حیث رابطه سببیت غالباً مربوط به اقدامات دولت نیست، لذا مسئولیت دولت را نمی‌توان مسئولیت مدنی به معنی خاص کلمه دانست. به نظر می‌رسد در این قانون، ماهیت مسئولیت به خاطر تکلیفی است که دولت در بازسازی و بازتوانی زیان‌های ناشی از حوادث قهری دارد. ناگفته نماند که چنانچه خسارت حاصله ناشی از مسئولیت و تقصیر دولت یا کوتاهی او در هر یک از مراحل مدیریت بحران باشد، بر طبق قواعد عام

اراضی کشاورزی اطراف واردآورد، در این حالت که یک حادثه قهری دیگری رخ دهد آیا مسئول تغییر این وضعیت دولت است؟

به عبارت دیگر گاه تقصیر دولت در عدم نظارت‌های قانونی باعث ایجاد یک حادثه طبیعی می‌شود، آیا در اینجا دولت مسئولیت دارد؟ در پاسخ باید گفت: چنانچه حادثه‌ای قابل پیش‌بینی و پیشگیری باشد، عملاً استناد به قوه قاهره برای رهایی از مسئولیت در جبران خسارت‌ها بی‌تأثیر می‌شود، یکی از حوادث طبیعی که به وفور واقع می‌شود، زلزله است که سالانه به ویژه در کشور ما چندین بار اتفاق می‌افتد، تا امروز مطالعات زمین‌شناسان و علوم زمینی حاکی از آن است که با توجه به خط گسل و شکست منطقه‌ای می‌توان محدوده و مکان و حتی در مواردی زمان احتمالی وقوع زلزله را پیش‌بینی کرد. بنابراین تعهد دولت و سازندگان در اجرای دقیق آیین‌نامه‌های مقاوم‌سازی و استانداردهای ساختمان‌ها دلالت بر قابلیت پیش‌بینی و مهار آثار زینبار زلزله دارد.

قابل پیش‌بینی بودن حادثه طبیعی، هرگز به معنای پیش‌بینی پذیری همه جزئیات آن نیست. برای مثال، وقتی یک پل عمومی برخلاف استانداردها ساخته می‌شود، همین که در نظر یک سازنده متعارف، این پل در برابر سیل یا زلزله معمولی مقاومت نخواهد کرد، برای مسئولیت سازنده کافی است و ضرورتی ندارد که تمامی زیان‌های ناشی از تخریب پل در آینده قابل پیش‌بینی باشد. از این رو به ویژه در مورد خسارت‌های آینده که منجر به طرح رویکرد مسئولیت مدنی پیشگیرانه می‌شود، بی‌احتیاطی نامتعارف، در برابر حوادث آینده کفایت می‌کند و لازم نیست که تمامی جزئیات در زمان اقدام به ساخت و ساز یا اقدامات پیشگیرانه‌ای که به عنوان تکلیف قانونی بر عهده شخص قرار گرفته، مشخص باشد.

برخی معتقدند که برای پیشگیری از حوادث طبیعی، قوه مقننه باید اقدام به تصویب قوانین و مقررات مناسب نموده و در موارد جزئی و اجرایی، دستورهای لازم را به قوه مجریه بدهد. بر فرض وجود معیار قانونی (تعریف‌شده به موجب قانون، تشخیص تخلف عمدی از آن هم به راحتی امکان‌پذیر خواهد شد. با فرض امکان تشخیص تخلف عمدی، پیشگیری

حوادث قهری و آمادگی برای مقابله با این سوانح را برای کلیه ارگان‌های دولتی به تفکیک بیان کرده است (۲۰).

بر اساس قسمت ۱ بند «ت» از ماده ۳، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف به همکاری با سازمان هواشناسی (پژوهشکده هواشناسی و اقلیم‌شناسی) و انجمن‌های علمی نسبت به توسعه تحقیقات، مطالعات و شبکه‌های اطلاعاتی تخصصی درباره پیشگیری و کاهش خطر حوادث و سوانح است و در قسمت ۲ آن به منظور پیش‌بینی دقیق و هشدار به هنگام وقوع مخاطرات زمین ساخت، با همکاری وزارت راه و شهرسازی (مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، پژوهشکده هواشناسی و اقلیم‌شناسی)، وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور)، وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور) و سایر دستگاه‌های مرتبط موضوع ماده ۲ این قانون، نسبت به ایجاد یا تقویت مراکز پایش و هشدار زلزله، آتشفشان، سونامی و لغزش زمین در کشور اقدام کند.

در این قانون سازمان هواشناسی با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌های مرتبط، به منظور پیش‌بینی دقیق و هشدار به هنگام وقوع مخاطرات آب و هوایی، مکلف شده‌اند تا نسبت به ایجاد مرکز پایش و هشدار بهمن، طوفان، گردباد، صاعقه، تگرگ، موج گرما (باد و باد گرم) و سرما در کشور اقدام کنند.

همچنین وزارتخانه‌های بهداشت و جهاد کشاورزی موظف شده‌اند تا به منظور انجام اقدامات پیشگیرانه، در زمینه همه‌گیری (اپیدمی) آفات و بیماری‌های گیاهی و جانوری و مشترک انسان و دام، مراکز پایش و هشدار همه‌گیری آفات و بیماری‌ها را ایجاد کنند. سازمان صدا و سیما هم وظیفه اعلام هشدارهای لازم و اطلاع‌رسانی آگاهانه به مردم در خصوص مخاطرات و بحران‌ها را دارد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موظف است به منظور کاهش خطر حوادث و سوانح، از طریق سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برای آموزش و توسعه مهارت‌های نیروی انسانی در حوزه ساخت و ساز اقدامات لازم را انجام دهد.

مسئولیت مدنی، ضامن خواهد بود. به موجب قانون مدیریت بحران، دولت در اعمال حاکمیتی در دو صورت مسئولیت دارد: حالت اول در صورتی است که به حکم قانون دولت را مسئول بدانیم، مثلاً تکلیف دولت به بازسازی و بازتوانی آثار حادثه؛ حالت دوم آنکه دولت در اعمال حاکمیتی خود در مسیر مراحل مدیریت بحران دچار تقصیر گردد. به هر حال این قانون دامنه مسئولیت مدنی دولت در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی را گسترش داده است.

۳-۱. نحوه جبران خسارت در قانون مدیریت بحران: به نظر می‌رسد به خاطر تکالیفی که حتی در قانون مدیریت بحران بر دوش دولت گذاشته شده، در هر حال دولت موظف به انجام آن است و باید گفت، حدود مسئولیت دولت تنها در حد ترمیم خسارات خواهد بود نه جبران تمام ضررهای وارده و حداقل الزامی که می‌توانیم برای دولت قائل شویم این است، که چون وظیفه دولت تأمین و حفظ حیات و سلامت اشخاص است، لذا دولت حداقل مکلف به جبران نیازهای اولیه برای حیات و سلامت انسان‌هاست نه بیشتر از آن.

در کشور ما تصویب قانون مدیریت بحران کشور باعث باز شدن گسترده تعهدات مالی جدید، در پرداخت و جبران خسارات برای دولت در وضعیت اقتصادی استثنایی کشور شد که بهره‌گیری از ابزارهای مالی، از جمله نشر اسکناس، در زمینه شناسایی دگرگونی مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران مؤثر بوده است (۱۲).

۳-۲. وظایف دستگاه‌ها و نهادهای دولتی مسئول در پیشگیری از حوادث: در ماده ۱۳ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، دولت موظف شده که به منظور بازسازی و جبران خسارات ناشی از حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی‌نشده مناطق آسیب‌دیده از محل منابع قرض‌الحسنه و سایر منابع بانکی، تسهیلات مورد نیاز آسیب‌دیدگان - به ویژه اقشار محروم - را با نرخ‌های ترجیحی مصوب از طریق سیستم بانکی در اختیار آنان قرار دهد. این وظیفه، در واقع تحمیل تکلیف بازسازی و مقاوم‌سازی به خود مردم است. در ماده ۱۴ این قانون وظایف مرتبط با پیش‌بینی و پیشگیری از

کسی که بخواهد در مسیر رودخانه‌ها، انهار طبیعی، سواحل طبیعی و... ساخت و ساز کند، مجوز بگیرد.

بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی، «شرکت‌های آب منطقه‌ای مکلف هستند با توجه به امکانات، حد بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی موجود در حوزه فعالیت خود را با برنامه‌ریزی مشخصی و با اعزام کارشناس یا کارشناسان ذی‌صلاح طبق مقررات این آیین‌نامه تعیین نمایند.» به موجب بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و احداث مجاری آب مناسب، جزء وظایف و اختیارات شهرداری برشمرده شده و بی‌مبالاتی در اقدامات پیشگیرانه و عدم رعایت نظامات دولتی به هنگام صدور پروانه و مهار بلایای طبیعی، نقص در اجرای قوانین، قصور در نظارت بر سازه‌ها و کنترل و ایمن‌سازی مسیل‌ها برای مقابله با سیلاب، از جمله مواردی است که شهرداری را به هنگام وقوع سیل ملزم به جبران خسارت می‌کند (۲۱).

طبق بند ۳ ماده ۳ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران «برنامه‌ریزی و اقدام در جهت آمادگی و مقابله با حوادث و سوانح و آموزش عمومی در این زمینه و تربیت کادر امدادی و نیروی انسانی مورد نیاز» پیش‌بینی شده که علاوه بر مبهم‌بودن مفاد این ماده، ضمانت اجرای روشنی برای آن وجود ندارد، هرچند وجود چنین بندی نشان می‌دهد که با تربیت و آموزش نیروها، امکان پیشگیری از برخی حوادث طبیعی وجود دارد.

در آیین‌نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله که به لحاظ فنی در نظام مهندسی و کنترل ساختمان، توسط وزارت مسکن و شهرسازی تدوین شده، استانداردهای فنی دقیقی برای ساخت و ساز در نظر گرفته شده که رعایت آن‌ها، لازمه اخذ پروانه ساختمان می‌باشد. الزاماتی را برای مهندسیین مشاور و ناظر و نیز سازندگان ایجاد می‌کند که می‌توان ایشان را برای خسارت‌های پس از بروز حادثه که ناشی از عدم استحکام ساختمان باشد، مورد بازخواست قرار داد.

همچنین ماده ۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور مصوب ۱۳۸۷ در مورد پیشگیری از حوادث قهری و مدیریت بحران چهار مرحله را بیان کرده است: نخست «پیشگیری» که با هدف جلوگیری از وقوع حوادث و یا کاهش آثار زاینبار آن، سطح خطرپذیری جامعه را کاهش می‌دهد؛ دوم «آمادگی» که منظور توانایی جامعه در انجام مراحل مختلف مدیریت است؛ سوم «مقابله» است، یعنی اقدامات و خدمات اضطراری با هدف نجات جان و مال انسان‌ها و تأمین رفاه نسبی و جلوگیری از گسترش خسارات است این اقدامات شامل اطلاع‌رسانی، هشدار، جستجو، نجات و امداد می‌باشد؛ چهارم «بازسازی و بازتوانی» است که شامل اقدامات ضروری پس از وقوع بحران است که با هدف بازگرداندن وضعیت عادی به مناطق آسیب‌دیده است به این منظور شورای عالی مدیریت بحران تشکیل می‌شود.

به نظر می‌رسد ماهیت وظایفی که این قانون بیان می‌کند، تکلیفی است که قانون آن را در راستای مدیریت بحران و وظیفه اداره جامعه به عهده دولت گذاشته است، البته در نقد این نظر ما معتقدیم که رابطه دولت با مردم جامعه، از قواعد حاکم بر روابط اشخاص تبعیت نمی‌کند و در رابطه با وظیفه‌های که دولت در قبال شهروندان دارد، به دنبال رابطه سببیت و علیت به عنوان ارکان مسئولیت مدنی نباید باشیم که بگوییم چون رابطه سببیت بین فعل دولت و زیان وارده قابل شناسایی نیست، پس دولت مسئولیت ندارد. بنابراین چون مسئولیت قهری و جنبه مالی دارد، به آن رنگ و بوی مدنی می‌دهد.

همچنین در قوانین دیگری، همچون قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن مصوب ۱۳۴۷، لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، قانون حفظ و تثبیت بستر و کناره رودخانه‌های مرزی مصوب ۱۳۶۳ و ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ایجاد معابر آب و فاضلاب و لایروبی و امثالهم، در صلاحیت و جزء وظایف سازمان آب و فاضلاب قرار داده شده و وزارت نیرو ملزم و مکلف به حفظ حریم رودخانه و بستر رودخانه است. همچنین در تبصره ۳ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب تکالیفی برای وزارت نیرو در نظر گرفته‌اند تا هر

۴-۱. ضابطه رویه قضایی در تشخیص حوادث قهری: در یک دعوا که خواهان به طرفیت شهرداری یکی از مناطق تهران مطرح کرده بود، خسارت ناشی از سقوط درخت بر روی خودرو خود را مطالبه نمود. نماینده شهرداری در مقام دفاع، سقوط درخت را ناشی از عوامل قهری دانسته و تعلق خسارت را دائرمدار تقصیر اعلام کرد، اما شعبه ۲۱۱ دادگاه عمومی تهران، مطابق دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۲۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۷ چنین استدلال کرد که: «مسئولیت رسیدگی به وضعیت درختان کنار خیابان متوجه خواننده (شهرداری) بوده، چنانچه در حادثه مزبور و طوفان تهران اکثر درختان کنار خیابان سقوط می‌کرد، بنای استدلال نماینده شهرداری صحیح بود، لیکن با توجه به اینکه در روز مذکور صرفاً برخی از درختان سقوط کرده و چنین طوفانی نوعاً موجب سقوط درختان نمی‌گردیده»، در ادامه شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان در مقام تجدید نظرخواهی به این امر اعتقاد داشت که آنچه موجب خسارت شده، سقوط درخت متعلق به شهرداری بوده است و هرچند که وزش باد موجب سقوط درخت و منتهی به خسارت شده، ولیکن وزش باد به کیفیت اعلامی، از مصادیق قوه قاهره نیست.

در این پرونده وزش باد شرایط لازم برای قوه قاهره را نداشته و بر طبق این رأی، در صورتی که وزش باد به کیفیتی باشد که نوعاً موجب سقوط درختان نمی‌شود، طوفان از مصادیق قوه قاهره محسوب نمی‌باشد و شهرداری مسئول خسارات ناشی از سقوط درختان در اثر چنین طوفانی است.

در پرونده مشابه دیگری که در شعبه ۹۰ دادگاه عمومی تهران علیه شهرداری تشکیل شد، این دادگاه به علت وقوع طوفان و واژگونی درخت و اینکه طوفان از حوادث قهری بوده و خواننده هیچ دخالتی در آن نداشته طی دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۰۴۱ تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۸ حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌کند. استدلال دادگاه چنین است: «خودرو با واژگونی درخت و وقوع طوفان، خسارت دیده و طوفان و زلزله از حوادث قهری بوده و خواننده هیچ دخالتی در آن نداشته، وانگهی ادعای خواهان بر اینکه درخت ۶۰ ساله بوده و حرس

هیأت وزیران در سال ۱۳۸۳ به استناد اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ از قانون اساسی «آیین‌نامه ستاد پیشگیری و مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح غیر مترقبه» را تصویب نمود که در آن بر پیش‌بینی‌پذیری و قابلیت پیشگیری از حوادث طبیعی بدون تعیین مصادیق آن تأکید شده است و در خصوص آن‌ها وظایفی بر عهده ستاد پیشگیری و مدیریت بحران در حوادث طبیعی و سوانح غیر مترقبه قرار داده شده است.

۴. ضابطه تشخیص حوادث قهری و معیار پیشگیرانه در رویه قضایی ایران: در مواردی که ساخت و ساز «غیر مجاز» و بدون پروانه در حریم رودخانه یا محل‌های غیر قانونی و ممنوع انجام شود و سازه در اثر حوادث غیر مترقبه از بین برود، افراد زیان‌دیده، استحقاق دریافت خسارت و غرامت ندارند، لیکن اگر «مجوز ساخت» صادر شده باشد، در این صورت مرجع صدور پروانه باید پاسخگو باشد، چون شهرداری‌ها مرجع صدور پروانه‌های ساختمانی و پایان کار هستند، باید کنترل مقاومت ساختمان‌ها در برابر سوانح طبیعی را به دستگاه‌های صلاحیت‌دار مانند نظام مهندسی یا شرکت‌های کنترل طراحی بسپارند. در غیر این صورت قصور قانونی آن‌ها بعلت تقصیر در ایراد خسارت محرز است.

برای جلوگیری از ساخت و ساز غیر مجاز به عنوان یک اقدام پیشگیرانه در حال حاضر و بر طبق قانون آیین دادرسی مدنی، فقط دستور موقت وجود دارد که آن نیز مستلزم طرح دعوای اصلی در ادامه صدور قرار دستور موقت خواهد بود، وگرنه از دستور موقت لغو اثر می‌شود، در حالی که قصد ما جلوگیری از ساخت و ساز غیر قانونی و غیر اصولی است و نه طرح یک دعوای تمام عیار حقوقی که در این خصوص هیچ راهکار دیگری به جز دستور موقت در قانون آیین دادرسی مدنی برای این امر نداریم، در حالی که در کامن‌لا، حقوق امریکا، انگلیس و سایر کشورها، تأسیسی تحت عنوان «Injunction» وجود دارد که مردم از طریق آن می‌توانند دستور منع بگیرند. فارغ از نقص قانونگذاری در زمینه مذکور، به بررسی چند رأی از دادگاه‌ها و محاکم دادگستری می‌پردازیم.

عمومی در محدوده هر شهر ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است و از جمله وظایف شهرداری آن است که بر طبق بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها و تبصره ۴ ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر، میادین، بزرگراه‌ها و پارک‌های عمومی از وظایف شهرداری‌ها می‌باشد.

این دادنامه در ادامه با تشریح وظایف شهرداری در پیشگیری از وقوع حادثه بنای مسئول شناختن شهرداری را قصور در انجام وظایف محوله می‌داند و معتقد است عدم انجام وظایف توسط شهرداری موجب وقوع حادثه گردیده و در واقع شهرداری با تقصیر خود زمینه تلف را مهیا و موجبات ورود ضرر به خواهان را فراهم کرده است و چنانچه خوانده وفق مقررات تبصره ۴ ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ شرایط و مقررات قانونی را رعایت می‌نمود ضرر و زیان مزبور به وجود نمی‌آمد و همین مقدار از نظر دادگاه، در احراز سببیت عرفی کافی به نظر می‌رسد، زیرا قطعی است که چنانچه خوانده در حفاظت از درخت و هرس به موقع اقدام و احتیاط لازم را به عمل می‌آورد و اصول فنی و نکات ایمنی را رعایت می‌کرد، چنین خسارتی به وقوع نمی‌پیوست نتیجتاً ورود ضرر و تخلف از تکالیف قانونی عامل حادثه بوده و رابطه علیت بین آن دو محقق است. نهایتاً دادگاه دعوی خواهان را ثابت تشخیص و مستنداً به ماده ۳۳۲ قانون مدنی و مادتين ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و بند ۱۴ ماده ۵۵ و تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها و تبصره ۴ ماده ۴ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳ و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره ۳۰ قانون بودجه سال ۱۳۳۹ شهرداری را به پرداخت خسارت وارده محکوم کرده است که در شعب تجدید نظر تهران قطعی می‌شود.

در یک مورد دیگر، در شعبه ۵۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادگاه بر اساس بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها جلوگیری از هرگونه خطر و بلای طبیعی و یا رفع خطر و امثال آن را وظیفه شهرداری می‌دانسته و عدم اقدام پیشگیرانه در حادثه اتفاقی را سبب قصور شهرداری اعلام کرده است.

نشده نیز نادرست است، چراکه ۶۰ سال نسبت به سن درخت و جنس آن بسیار کم بوده و درخت جوان به حساب می‌آید، همان‌گونه که عکس‌های پیوستی گویای همین نکته می‌باشد، اما شعبه ۵۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران استدلال این شعبه را نپذیرفته و علیرغم وقوع خسارت ناشی از طوفان با ارجاع به کارشناسی و با اغماض به این نکته که طوفان منتسب به شهرداری نیست و احراز رابطه سببیت نیز وجود ندارد، ضمن نقض دادنامه نخستین، شهرداری را مکلف به جبران خسارت ناشی از واژگونی درخت بر روی اتومبیل به جهت وقوع طوفان (حادثه قهری) نموده که نشان از گرایش بعضی شعب به محکومیت مراجع ذی‌ربط به جبران خسارت در برخی از حوادث قهری دارد، هرچند که در نهایت برای صحیح بودن احکام خود به تقصیر و مواد قانون مسئولیت مدنی استناد می‌کنند.

۴-۲. رویه قضایی در مورد معیار پیشگیری از حادثه:

بررسی رویه قضایی سه رأی از آرا تجدید نظر استان تهران را بیان می‌کنیم، رأی اول در مورد دعوای خواهان به خواسته مطالبه خسارت ناشی از سقوط درخت بر روی اتومبیل در اثر وقوع طوفان به طرفیت شهرداری است که در شعبه ۱۸۵ حقوقی تهران طرح دعوا نموده که به موجب کروکی کارشناس تصادفات علت اصلی خسارت به اتومبیل بی‌احتیاطی شهرداری به علت سقوط ناگهانی درخت در معابر شهری در اثر طوفان و برخورد با اتومبیل اعلام شده و دادگاه رابطه سببیت بین فعل شهرداری و ضرر و زیان به اتومبیل را ثابت و مسلم دانسته است، در این دعوا نماینده شهرداری در مقام دفاع اعلام کرده که محل مزبور ارتباطی به شهرداری این منطقه ندارد و طبق نظریه کارشناس طوفان موجب بروز حادثه شده که از حوادث قهری محسوب می‌گردد و دعوی توجهی به شهرداری ندارد، اما دادگاه طی دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۷۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶ دعوای خواهان را وارد و استدلال می‌کند که در وجود رابطه سببیت تردیدی نیست چون محل مزبور جزء خیابان بوده و بر طبق تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها پیاده‌روها و خیابان‌ها و به طور کلی معابر و درخت‌های معابر

به دنبال بارش شدید باران در شیراز در فروردین ماه سال ۱۳۹۸ طی ۱۰ دقیقه سیل بیش از ۲۰۰ خودرو را با خود برد و به ۳ هزار و ۸۵۰ واحد شهری خسارت وارد کرد و باعث مرگ ۱۹ نفر شد. یازده دستگاه در این حادثه مقصر شناخته شده‌اند که شهرداری شیراز با بیش از ۵۴ درصد تخلف اولین متخلف و شرکت آبفای شیراز نیز با ۱/۵ درصد تخلف به عنوان یازدهمین دستگاه متخلف در حادثه معرفی شدند. بر اساس نظر کارشناسان مهم‌ترین علل وقوع سیل، عدم تناسب حجم سیلاب با ظرفیت کانال احداثی، کم‌شدن مقطع ورودی کانال به دلیل گرفتگی دریاچه زباله‌گیر نصب‌شده در ورودی آن، وجود نخاله‌های ساختمانی در مناطق مختلف مسیر و تغییر در محیط طبیعی حوزه آبریز، عدم لایروبی حوضچه محل ورودی، عدم رعایت مقررات قانونی در اجرای طرح مربوطه، عدم استقرار تجهیزات فنی متناسب با شرایط حادثه، عدم استفاده از ظرفیت‌های اداری و انسانی به منظور جلوگیری از تشدید آثار حادثه، عدم توجه به هشدارهای سازمان ذی‌ربط، از جمله سازمان هواشناسی کشور، عدم اطلاع‌رسانی در راستای جلوگیری از ورود خسارات جانی و مالی بوده است.

وکیل شهرداری در دفاعیات خود، حادثه سیل شیراز را، «فورس‌ماژور» و یک حادثه قهری تلقی کرده و بر مبنای آن تقاضای عدم مسئولیت شهرداری را خواستار شده، اما شعبه ۱۵ دادگاه محترم تجدید نظر استان فارس طی دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۱۲۰۵۰۲۵۴۶ تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ با استدلالی درخور تأمل این حادثه را قهری تلقی نکرده و اعلام می‌کند: «حادثه سیل مورخ ۵ فروردین سال ۱۳۹۸ که در ایام نوروز کام مردم را به خصوص در شهر شیراز تلخ نمود، فورس‌ماژور نبوده است...، زیرا فورس‌ماژور زمانی می‌تواند رافع مسئولیت باشد که رابطه استنادی بین نتیجه و سبب انسانی را قطع کند در حادثه مذکور سیل رابطه استنادی را قطع ننموده، بلکه بی‌مبالاتی متعدد شهرداری و شهردار شیراز خود سبب تشدید سیلاب و آثار زیانبار آن شده است.»

این دادگاه مبنای مسولیت مدنی دولت و مراجع دولتی در مورد سیل موضوع دعوا را نظریه تضمین حق و قرارداد

اجتماعی و همبستگی اجتماعی دانسته و در راستای این ادعا به قاعده لاضرر فقهی اشاره کرده است. آنچه که در خصوص این رأی مرتبط با موضوع مقاله است، این می‌باشد که دادنامه در ادامه، به نقش «معیار پیشگیری از وقوع حادثه»، توسط مراجع عمومی اشاره کرده و فوت جان‌باختگان و مصدومین حادثه سیلاب را عرفاً ناشی از عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و عدم رفع خطرات موجود برای شهروندان و اقدامات غیر کارشناسی شهرداری شیراز می‌داند، زیرا معتقد است تنظیم، نگهداری و تسطیح انهار عمومی و مجاری آب و اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ شهر از خطر سیلاب، مطابق ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها به عهده شهرداری است و علت وقوع حادثه و وقوع خسارت‌های زیانبار آن را عدم اقدام پیشگیرانه مراجع مسئول بیان کرده و می‌گوید: «... عرفاً نیز فوت جان‌باختگان و مصدومین حادثه سیلاب مهیب روز مذکور، ناشی از عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و دفع خطرات موجود برای شهروندان و اقدامات غیر کارشناسانه شهرداری شیراز بوده است.»

همچنین می‌توان به رأی صادره از دادگاه‌های تجدید نظر استان گلستان، در خصوص سیل سال ۱۳۹۸ در شهرستان آق‌قلا اشاره کرد که در گزارش هیأت ویژه ملی سیلاب گلستان، دلیل اصلی بروز سیلاب بروز سیل را کوتاهی و قصور ارگان‌های دولتی زیر اعلان می‌کند: ۱- کوتاهی شرکت آب منطقه‌ای گلستان در احداث کانال انحراف آب مازاد گرگان‌رود؛ ۲- دخالت ناصحیح فرماندار در توجه به نظر مردم به جای توجه به نظر کارشناسان آب منطقه‌ای؛ ۳- جایابی اشتباه جاده و راه آهن در مسیر رودخانه؛ ۴- عدم تعبیه پل‌ها و آبراهه‌های مناسب برای عبور سیلاب و عدم پاکسازی و لایروبی بستر رودخانه.

در گزارش آمده است اگر دولت هیچ اقدامی در شکست کناره شمالی گرگان‌رود انجام نمی‌داد و مسیر آب در رودخانه ادامه می‌یافت، قسمت شمالی شهر دچار سیل‌زدگی نمی‌شد، لذا در این مورد تقصیر دولت علت اصلی حادثه شناخته شده و دولت طبق نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بر اساس ماده ۱۱ از قانون مسئولیت مدنی و به علت ورود خسارت ناشی از نقص

قوه قاهره مانند «غیر منتظره بودن مقدار آب وارده به سیل‌بند» یا «بی‌سابقه بودن بارش‌های آن فصل» اشاره نماید. از نظر لرد رنبری (Lord Wrenbury)، در این پرونده، مشاهده می‌شود که مسئولیت بر مبنای قوه قاهره، با مسئولیت فردی قابل جمع است (۲۲).

در کشور آلمان دعوایی با نام «دعوی پیشگیرانه» پذیرفته شد و رویه قضایی این کشور با توجه به مقررات قانونی که دامنه اجرایی محدودی داشت، دیگر استفاده از دعوی پیشگیرانه را منوط به اثبات تقصیر خوانده نمی‌دانست، این شیوه بعدها در کشور سوئیس و اتریش هم پذیرفته شد (۲۳)، اما حقوق فرانسه در این باره کمی ابهام دارد و هنوز رویه قضایی این کشور صددرد این دعوا را نپذیرفته است، هرچند که تمایل دادگاه‌ها با استناد به اصل احتیاط بسیار بیشتر شده است و برخی حقوقدانان فرانسوی معتقدند با اتکا به اصل احتیاط در حوادث قهری باید «پیشگیری» و «دوراندیشی» نسبت به خسارات این‌گونه حوادث بر جبران خسارات ناشی از وقوع آن‌ها ترجیح داده شود و باید برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی پیش‌دستی کرد، بنابراین آن‌ها پیشنهاد توسعه «مسئولیت پیشگیرانه» را داده‌اند (۲۴).

همچنین اطلاعات، سوابق و تجربه‌های پیشین و همچنین نقشه‌های تخصصی که از وضعیت پیشین و فعلی نقاط حادثه‌خیز تهیه شده، بهترین معیار برای ارزیابی این مسأله است که آیا واقعه‌ای همچون زلزله، از سوی متخصصان پیش‌بینی شده بوده است یا خیر. زمین‌شناسی مناطق زلزله‌خیز و شدت احتمالی زلزله تهیه شده و در مراکز زلزله‌نگاری موجود می‌باشد که به نظر می‌رسد به همین نقشه‌ها، طرح‌ها و توافقنامه‌ها بتوان برای اثبات مسئولیت سازندگان استناد کرد.

نتیجه‌گیری

در خصوص مسئولیت مدنی دولت ناشی از بلاهای طبیعی، توجه به نقش پیشگیری و بازدارندگی دولت از اهمیتی بیشتر از جبران خسارت برخوردار است، چون درست است که در

وسایل ادارات و مؤسسات دولتی، مکلف به جبران تمام خسارات شهروندان در قسمت شمالی شهر به صورت موردی و جزئی و با توجه به میزان خسارت وارده شد.

۵. رویه قضایی در کشورهای اروپایی: گرایش به آینده‌نگری و پیشگیری در حقوق اروپایی نیز اهمیت یافته است و مسئولیت مدنی به جای آنکه منتظر وقوع حادثه طبیعی زیانبار با آثار مخرب باشد، به سمت جلوگیری و دفع آثار زیانبار آن قبل از وقوع حادثه متمایل شده است و این نظریه ایجاد شده است که در کنار جبران خسارت در گذشته باید به آینده هم فکر کرد تا از پیدایش یا تداوم دوباره خسارت جلوگیری به عمل آید.

یکی از سؤالات کلیدی این است که چنانچه اقدام شخصی وضعیت یک حادثه را تغییر داده باشد، اما به دلیل توجه به جزئیات فنی در این تغییر، یک حادثه طبیعی دیگر در معرض وقوع قرار گیرد، آیا می‌توان این تغییر را برای آن فرد مسئولیت‌آفرین دانست؟ به عبارت دیگر، آیا فردی که مسئول این اقدام شخصی است، می‌تواند مسئول به وقوع آمدن حادثه طبیعی دیگری شود؟ به عنوان مثال، اگر دولت به دلیل سیلاب‌های گسترده در یک منطقه و به منظور کنترل آب‌های سطحی، سدی احداث کند. بنابراین یک حادثه به نام سیلاب‌های ناگهانی در پایین‌دست زمین‌هایی که سد در آنجا ساخته شده، مهار می‌شود، اما به دلیل عدم رعایت استانداردهای جهانی ساخت سد و در نتیجه رخداد زلزله یا ورود آب زیاد به دریا پشت سد، سازه مذکور از بین می‌رود و هزاران هکتار زمین کشاورزی ناگهانی به عنوان غریبه سیلاب می‌شوند و هزاران روستایی در مسیر سد قربانی می‌شوند. حال با ایجاد یک حادثه طبیعی مثل سیل یا زلزله زمین‌های کشاورزی آسیب ببینند آیا دولت مسئولیت دارد؟

در پاسخ به این سؤال، می‌توان به رویه دادگاه‌های انگلیس اشاره کرد؛ در یک پرونده تحت عنوان (Caledonian Railway CO, 1917)، اعلام شده که ساخت سیل‌بندی که جزئیات فنی آن رعایت نشده مسئولیت‌آفرین است و شکستن ناگهانی آن، مسئول را ضامن می‌سازد و خوانده نمی‌تواند به

هیچ توجیهی ندارد و حتی فقر مالک هم نمی‌تواند آن را توجیه نماید.

هزینه‌های دولت پیش از حادثه با هزینه‌های پس از آن دو تفاوت اساسی دارد: نخست اینکه، هزینه‌های پیش از حادثه، اغلب به صورت تدریجی صرف می‌شود و در عین حال میان افراد مختلف توزیع می‌گردد، لذا تدوین قوانین مناسب و الزام مردم به اجرای آن می‌تواند در این مسیر مؤثر باشد، اما علی‌القاعده هزینه‌های پس از حادثه به صورت فوری و یک جا، به دولت تحمیل می‌شود؛ دوم آنکه، پیش از حادثه، تحمیل کردن تعهد به پیشگیری از سوی دولت ممکن است بر مبنای دولت رفاه، یا مبانی اخلاقی و سیاسی توجیه شود، اما پس از رویداد حادثه، مبانی و منابع حقوق اساسی همچون وظیفه دولت نسبت به حفظ جان شهروندان و همچنین حداقل‌های مقرر در حقوق بشر، همچون حق بر حیات و استمرار آن، تکلیف خطیری را به دوش دولتی که حادثه مصیبت‌بار در قلمرو سرزمینی آن روی داده است، تحمیل می‌کند.

دولت می‌داند که اقدام نکردن یا کم‌کاری در نجات جان مصیبت‌زدگان و صیانت از اموال آن‌ها، باعث نارضایتی همه مردم خواهد شد، لذا سود دولت در آن است که برای پیشگیری از حادثه، هزینه‌هایی کند و دولت می‌تواند با به کارگیری تدابیر سیاسی و قانونی، بخشی از هزینه‌های پیشگیری را به مردم تحمیل کند و در عوض هزینه‌های پس از حادثه به شدت کاهش یابد.

در مورد آن دسته از حوادث طبیعی که قابلیت پیش‌بینی پذیری یا پیشگیری را دارند، مبنای مد نظر برای مسئولیت مدنی دولت، چیزی متفاوت با مبانی مرسوم نیست. در عین حال، نمی‌توان اظهار داشت که برای مثال، در همه حال شرط تحقق چنین مسئولیت‌هایی، تقصیر است یا دولت در هر مورد، بدون تقصیر هم مسئولیت دارد. در واقع از یکسو احراز رابطه سببیت میان تقصیر، قصور یا سهل‌انگاری دولت یا عوامل دولت از لوازم حتمی مسئولیت به شمار می‌آید و از سوی دیگر، این مسئولیت تنها در مورد آن دسته از حوادثی برقرار می‌شود که با توجه به استانداردهای جهانی در روز حادثه قابل

اصل، بلایای طبیعی قابل انتساب به دولت نیستند، اما پیشگیری از ورود خسارت‌های نامتعارف، وظیفه اصلی دولت است که با برنامه‌ریزی و ارائه طرح‌های مناسب باید بدان دست یافت. به عبارتی آن چیزی که دولت را در مورد بلایای طبیعی و خسارت‌های ناشی از آن مسئول می‌کند، عدم فراهم‌نمودن زیرساخت‌ها (ترک فعل)، برای به حداقل‌رساندن زیان‌های ناشی از بلایای طبیعی است، لذا این امر بر دولت فرض است که با استفاده از تمام توان خود اقدام به مقاوم‌سازی و موجب به حداقل‌رساندن خسارات گردد. بنابراین هرچه بر جنبه بازدارندگی و پیشگیرانه مسئولیت مدنی دولت تأکید شود، خسارت ناشی از حوادث طبیعی به حداقل خواهد رسید.

به علاوه، پیشگیری از حوادث طبیعی، اغلب با صرف هزینه کمتری در مقایسه با هزینه‌های پس از حادثه انجام می‌گیرد. یکی از بهترین راه‌های پیشگیری از خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی در مورد سازه‌هایی که بر طبق استاندارد و معیارها و ضوابط کشوری ساخته و اداره می‌شوند، آن است که در قانون تصریح شود که صرف نظر از تأییدیه‌ای که به عنوان پایان کار یا هر عنوان دیگری صادر می‌شود، مالک سازه و یا مسئولین ساختمانی اعم از سازنده، مهندس ناظر و مهندس مشاور، مسئول ایمنی آن در حد استاندارد خواهند بود که در قانون تعیین شده است. برای مثال، وقتی دولت، شرکت احداث‌کننده بزرگراه را طبق قرارداد ملزم می‌کند که آن را در برابر سیل و زلزله، تا شدت کاملاً مشخصی در قرارداد، ایمن بسازد، شرکت سازنده مجبور خواهد شد که از مصالح استاندارد و نیروی کار ماهر و قابل اعتماد استفاده کند، به ویژه که در مواردی اصل حادثه، ممکن است قابل پیش‌بینی نباشد، اما با تخمین وقوع حادثه، می‌توان از طریق توسل به اقدامات بازدارنده، آثار زینبار آن را به حداقل ممکن رسانید.

در بسیاری از موارد، الزام به ترک فعل، تنها شیوه ممکن برای پیشگیری از آثار زینبار بعدی است. برای مثال، بر روی گسل زلزله نباید ساختمان یا هرگونه تأسیساتی که با زلزله تخریب می‌شود، ساخته شود یا اینکه ساختن ساختمان غیر استاندارد،

در مواقع خسارت آفرین تصمیم شایسته اتخاذ کند. بنابراین به نظر می‌رسد دولت حتی به علت قصور در مدیریت صحیح قبل از حادثه و آماده‌نکردن زیرساخت‌ها و امکانات و حتی به دلیل عدم آموزش صحیح چگونگی مقابله با بحران به شهروندان و عدم اطلاع‌رسانی به موقع، مسئولیت دارد، چراکه دولت طبق قانون اساسی ملزم به تأمین رفاه و آسایش، انواع تأمینات اجتماعی، مسکن متناسب با نیاز و... برای مردم است و در بسیاری از موارد، خسارات حادث شده در اثر حوادث قهری، به خاطر سوءمدیریت دولت بر جامعه تحمیل شده است. از طرف دیگر، مردم نیز توانایی پذیرش خسارات زیانبار را ندارند و جبران چنین خساراتی از توان آن‌ها خارج است.

مشارکت نویسندگان

مهدی امیدی: ارائه ایده، جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.

محمدحسین جعفری: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله.

روح‌الله بخت‌جو: نظارت بر تألیف مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت

پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق،

تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای

تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل

اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

پیش‌بینی و پیشگیری بوده یا اینکه بر فرض عدم قابلیت پیش‌بینی، بتوان با به کارگرفتن تمهیدات و امکاناتی که تنها دولت در اختیار دارد، از آثار زیانبار آن‌ها حسب مورد، به طور کلی یا جزئی پیشگیری کرد، لذا مسئولیت مدنی دولت به طور کامل برقرار می‌شود، یعنی دولت، همانند دیگر عوامل زیان، باید کلیه خسارت‌های وارده را جبران نماید، اگرچه می‌تواند پس از جبران به عامل اصلی زیان برای مثال، کارکنان متخلف خود یا سازندگان متخلف مراجعه کند. هدف از مسئولیت مدنی در قبال این دسته از حوادث، پیشگیری از بروز و یا تشدید حوادث مشابه در آینده است. بنابراین این نوع از مسئولیت مدنی به طور کامل بر مبنای قواعد و اصول حقوق خصوصی تحلیل می‌شود.

در رابطه با بی‌احتیاطی هم می‌توان گفت، شخص زمانی بی‌احتیاط است که باید احتیاط‌های خاصی را در پیش می‌گرفت و چنین نکرده است، اما پیش‌شرط احتیاط آن است که شخص از خطرات و حوادثی که برای اجتناب از آن‌ها اقدام به پیشگیری می‌نماید، آگاهی داشته باشد. خطرهای قابل پیش‌بینی هم به آن دسته از خطرهایی اطلاق می‌شود که شخص متعارف در موقعیت خوانده توان پیش‌بینی آن‌ها را داشته باشد. دولت باید اقدام‌های لازم را برای جلوگیری از ورود خسارات ناشی از سیل به عمل آورد، از جمله ساخت سد، جلوگیری از ساخت و ساز غیر مجاز و غیر اصولی، کاشت نهال یا غرس اشجار و موارد دیگر؛ دوم اینکه در صورت ورود خسارت به لحاظ سهل‌انگاری در انجام وظیفه یا بر اساس سه نظریه «مصلحت عمومی»، «قرارداد بیمه» و «تضمین مشروعیت» خسارت زیان بدون جبران باقی نمی‌ماند یا باید دولت به طور مستقیم خسارت وارده را پرداخت کند یا از طریق انعقاد قرارداد با شرکت‌های بیمه این خسارت پرداخت شود.

در فقه نیز قاعده‌ای به نام «الخراج بالضمن» داریم که بر طبق اندیشه‌های امام خمینی این قاعده، جزء قواعد حکومتی است و دولت به علت مالیاتی که در قالب زکات، خمس و... از مسلمانان می‌گیرد، تعهد دارد که مایحتاج و نیازهای اولیه آنان را تأمین کند و نسبت به سروسامان دادن حوایج جامعه به ویژه

References

1. Drodian H. Civil Law Booklet Four. Tehran: Faculty of Law and Political Science Publications, University of Tehran; 1999. [Persian]
2. Hosseininejad H. Civil Responsibility. 1st ed. Tehran: Cultural Department of Academic Jihad, Shahid Beheshti University; 1991. [Persian]
3. Ghamami M. Civil responsibility of the government towards the actions of its employees. Tehran: Daddgostar Publications; 1997. [Persian]
4. Jafari Langroudi M. Expanded on Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2007. Vol.4. [Persian]
5. Katouzian N. Obligations outside the contract: Compulsory guarantee. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press; 1999. Vol.1. [Persian]
6. Alsan M. The theory of civil liability of the government for natural disasters. Laws and Politics. 2008; 10(24): 7-38. [Persian]
7. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. 9th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1998. [Persian]
8. Zargush M. Civil responsibility of the government in natural disasters. Social Welfare Journal. 2006; 6(23): 303-320. [Persian]
9. Safaei S. Force Majeure or Force Majeure Overview of Comparative Law and International Law and International Commercial Contracts. International Legal Journal. 1985; 3(3): 111-154. [Persian]
10. Barker D, Padfield C. Law made simple. Translated by Saghiti S. Tehran: Mizan Publications; 2002. [Persian]
11. Smith K. Environmental Hazards. Translated by Moghimi E, Guderzinejad S. 1st ed. Tehran: Samt Publications; 2003. [Persian]
12. Zargush M. Civil responsibility of the government. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2021. Vol.1. [Persian]
13. Cane P. Tort Law as Regulation. Common Law World Review. 2002; 31(4): 305-331.
14. The Act of Regulating part of the financial regulations of the government. 2001. [Persian]
15. The Act on the Structure of the Comprehensive Welfare and Social Security System. 2004. [Persian]
16. Levmore S. Coalitions and Quakes Disaster Relief and Its Prevention. University of Chicago Law School Roundtable. 1996; 3(1): 11-45.
17. Flatt W. The Expanding Liability of Design Professionals. Memphis State University Law Review. 1990; 20(2): 1-34.
18. Latin H. Problem-Solving Behaviour and Theories of Tort Liability. California Law Review. 1985; 73(3): 746-677.
19. The Country's crisis management Act. Approved in 2019. [Persian]
20. The Act of Establishing the crisis management organization. 2007. [Persian]
21. Pourshahriari N. Civil responsibility of the government towards the people in force majeure and non-proximate events. Tehran: Payam Noor University; 2016. [Persian]
22. Binder D. Act of God? Or Act of Man?: A Reappraisal of the Act of God Defense in Tort Law. Review of Litigation. 1996; 15(1): 1-80.
23. Jourdan P. The Principle of civil responsibility. Translated by Majid A. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2006. [Persian]
24. Jourdan P. Analysis of judicial procedure in the field of civil responsibility. Translated by Adib M. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. [Persian]